

اعتراض و معترض دیگر

امیرفیض - حقوقدان

چهارشنبه ۲۶ خرداد ۲۵۴۹

۱۶ جون ۲۰۱۰

ایرانیان آقای «شهافر» (به تصور اینکه نام مستعار است ذکر گردید) نسبت به تحریر «حاکمیت جنبش سبز از آن کیست؟» دو ایراد را مطرح کرده اند.

نخست اینکه: «هرکس از جمهوری اسلامی صدمه دیده حق دارد از جنبش حمایت کند و حتا در آن سرمایه گذاری نماید»

دوم اینکه: در تحریر اینجانب، مقصود «حاکمیت جنبش سبز از آن کیست؟» راه نشان داده نشده. درحالیکه ایشان پیشنهاد کرده که میبایست از شخصیت ها و گروه های سیاسی دعوت شود تا شورای انقلاب را در خارج تعیین و شخصیت مورد قبول اکثریت را با مشخصات ویژه ای که من فقط در شاهزاده رضا پهلوی سراغ دارم بعنوان رهبر یا سخنگو انتخاب و

ایراد نخست ایشان در چار چوب کلیت وارد نیست ولی در محدوده شخص و اعتقاد سیاسی وارد است. توضیح اینکه «هرکس» که در عبارت اعتراضی ایشان آمده، عام است و کلیت آن متوجه دولت ها و شخصیت های حقوقی وابسته به دولت و نیز مستقل از افراد است.

این فکر و یا نظریه معترض محترم که «هرکس» که شامل دولتها هم می شود حق دارند چنانچه از رژیم اسلامی ایران صدمه دیده اند به جنبش های مردمی کشور های دیگر حمایت و حتا سرمایه گذاری کنند، نه تنها فاقد منطق حقوقی است بلکه صریحا در نفی حقوق بین الملل قرار گرفته است. اهمیت این نفی در حقوق بین الملل آنچنان عظیم است که در حقوق داخلی کشور ها نیز بدون تاثیر نبوده و بصورت موادی از قانون مجازات عمومی برای افرادی که به حمایت های دولت های خارجی و یا سرمایه های آنها تن دهند پیاده شده است.

برای کوتاهی بحث این توجه لازم است که هر جا نص قانونی و حقوقی باشد، احتجاج نسبت به آن جایز نیست. مسئله عدم مداخله کشور ها در امور داخلی کشور های دیگر به موجب عهدنامه بین المللی هلستینکی (فنلاند) و نیز منشور سازمان ملل متحد منع گردیده است. برای اینکه معترض محترم توجه به مفهوم و ابعاد دخالت کشور ها در امور کشور های دیگر آشنایی بیشتری پیدا کنند بد نیست یاد آور شوم که در سال ۱۹۷۵ که شاهنشاه ایران برای دیدار با کارتر به آمریکا رفته بودند، سفارت ایران در آمریکا چند دستگاه اتوبوس برای تسهیل ایرانیانی که عازم واشنگتن بودند فراهم کرد، همین عمل ساده و پیش پا افتاده از طرف جراید وزارت خارجه آمریکا دخالت در امور داخلی آمریکا از طرف ایران تلقی شد.

توجه دیگر:

ضرر و یا نفع تحولات داخلی کشور ها و حتا عملکرد دولت ها در رابطه با حق حاکمیت و حقوق سیاسی داخلی است و اگر باز «صدمه» که معترض آنرا بکار گرفته زمینه حق دخالت شود، نمیتوان حد و چارچوبی برای آن قایل شد. به همین دلیل منشور سازمان ملل متحد زیان احتمالی از اقدامات دولت ها که ممکن است متوجه کشور های دیگر گردد

(بقول معترض صدمه ای که بکشور ثالث برسد) رسیدگی آنرا در صلاحدید خود یعنی سازمان ملل و شورای امنیت دانسته نه اینکه دولت ها همینکه احساس کردند که به آنها صدمه وارد شده ویا خواهد شد دست بکار بشوند و در امور کشور های ثالث دخالت نمایند.

ملاحظه می کنید با آنکه منشور سازمان ملل متحد حق مداخله، سرمایه گذاری کشور هارا در امور داخلی کشور های دیگر ممنوع کرده معهدا، کشور ها برای حفظ مطامع خود به انواع بهانه ها متوسل می شوند تا دخالت در امور داخلی کشور های دیگر را توجیه نمایند.

واقعا اگر دخالت کشور ها در امور کشور های دیگر واز جمله حمایت و سرمایه گذاری در جنبش ها و تجزیه طلبی ها یک رسم بین المللی گردد و هر کشوری بمناسبت صدمه ای که از کشور دیگری کشیده ویا خواهد کشید دست به سرمایه گذاری وحمایت از آشوب های داخلی کشور ها بنماید. سنگ روی سنگ در جهان بین المللی قرار نخواهد داشت و هرج و مرج جهانی غیر قابل کنترل خواهد شد.

شاهد قضیه را می توان در همین قطعنامه اخیر شورای امنیت که با پشتکار آمریکا علیه ایران صادر شد دید. آمریکا با آنکه با سرمایه گذاری در جنبش سبز و نیز اعلام حمایت علنا در امور داخلی ایران دخالت می نماید معهدا، آمریکا تلاش کرد که تحریم علیه ایران از سوی شورای امنیت بجریان بیافتد. تا لاقلا آشفستگی های دولت آمریکا در کمک به جنبش سبز و دخالت در امور داخلی ایران را تا حدودی ماست مالی کند.^۱

اما شخصیت های طبیعی:

شخصیت های طبیعی یعنی افرادی که در اعتراض معترض از ابوابجمعی «هرگس» است. البته اگر عقیده سیاسی او همراه و منطبق با عقیده بر مشروعیت جمهوری اسلامی وقانون اساسی آن وحفظ ولایت فقیه باشد و تنها در عملیات رژیم طالب تغییراتی باشد یعنی بجای سگ خواهان سگ توله باشد، طبق اصول دموکراسی حق دارد که از جنبش سبز حمایت ودرآن سرمایه گذاری کند ولی در این جا یک «امای کوچکی» وجود دارد و آن این است که آیا مبارزه سی ساله ایرانیار معترض وایرانیان خارج از کشور با هدف براندازی جمهوری اسلامی آغاز شد و سی سال ادامه یافت ویا جابجایی عمله های جمهوری اسلامی؟

اعتراض دوم پل زدن ممنوع:

معترض محترم نوشته «فلانی» ارادتمند راه نشان نداده ولی ایشان....

اگر هرکس در انتظار راهی باشد که دیگران برای نجات ایران ارائه می دهند ویا راهی را که خود اصرار دارد، راه نجات ایران شناخته شود، بعلت کثرت نظرات وراه ها که به میلیون ها میرسد، آن قافله تابه حشر لنگ است، کما اینکه سی سال است لنگ است.

^۱ - لازم به یادآوری است که اگر مشابه همین اقدام از سوی کشور های دیگر بجز پنج کشور اصلی شورای امنیت و دارای حق وتو صورت گیرد بلافاصله شورای امنیت بر علیه آن کشور ها اقدام های جابرانه انجام می دهد. چه می بینیم بیش از ۴۰ سال است اسرائیل در منطقه خاورمیانه به خیلی مسائل دخالت می کند ولی همان شورای امنیت و دیگر کشور ها این امر را نادیده می گیرند. هم الان وجود کشور های صاحب قدرت در افغانستان و عراق به چه معنی است؟؟ اگر یک سومالیایی درمرز خویش با اریتره ای مشکل پیدا می کند چه لزومی به حضور نیرو های نظامی آمریکا وکانادا پیدا می شود. در هنگامیکه در بالکان مسئله بین مردم آن منطقه رخ داد چه لزومی به شرکت نیرو های بین المللی و دخالت آمریکا وانگلیس و روسیه بود؟ ح-ک

سنت و منش و عادت ایرانی و سپس قانون اساسی برای جلوگیری از تعاطی راه‌ها و نظرات، بطور قاطع و صریح راه را نسخه کرده و ۲۵۰۰ سال و نیز یکصد سال دوران مشروطیت به اجرا درآمده و کیفیت اجرای آنرا هم ترسیم کرده و آن تشکیل دولت موقت بفرمان شاه است و این یادآوری سی سال است که مکرر در سنگر‌ها تجدید و تکرار شده و در چند مقاله منتشر شده توسط جاوید ایران هم موجب تصدیق گردیده.^۲ وانگهی راهی را که سنت ایرانی و قانون اساسی نشان داده بنده و سرکار چکاره و کجای این حدهستیم که روی سنت و قانون اساسی پل بزنیم؟

سرمایه‌گذاری کشورها در امور داخلی کشور های دیگر:

یکی از مراتبی که در برنامه مبارزه بخشی از ایرانیان خارج از کشور دیده می‌شود، دعوت آمریکا و کشور های دیگر است به سرمایه‌گذاری روی ملت ایران. این دعوت هر قدر که ظاهرش فریبنده است، باطنش هولناک و بسیار خطرناک و مجازات آور است.

توضیح اینکه، در کلیه کشورهای جهان (بغیر از عربستان سعودی) هم پایه در آمد کشور و هم کیفیت مخارج آن معلوم گردیده که بنام «تفریح بودجه» مورد عمل است و این بدان معنی است که دولت هر خرجی و یا سرمایه‌گذاری که می‌کند باید در چهار چوب بودجه باشد والا تخلف و قابل تعقیب است. به همین دلیل است که کشوری که می‌خواهد در تحولات کشوردیگری سرمایه‌گذاری کند به کیفیتی مطمئن حق نظارت و دخالت را بطور غیر مستقیم برای خود منظور میدارد و میتوان گفت که هیچ کشوری بدون اطمینان و برنامه مصوبه و بازگشت سرمایه خود، سرمایه کشور را برای به ثمر رساندن تحولات و تحرکات کشور ثالث مصرف نمی‌کند. نمونه حاضر پاسخ مسئله است.

تصویب قانون آزادی در آمریکا در سال ۲۰۰۵ (درکنگره) شرطی دارد که همان شرط، ناظر به عمل کلیه کشور هایی است که میخواهند در تحرکات کشور های دیگر سرمایه‌گذاری کنند. به اتفاق به قانون مزبور رجوع می‌کنیم.

در قانون مزبور آمده است:

- ۱- آمریکا باید از نیروهایی که خواهان دموکراسی هستند حمایت کند.
- ۲- همچنین اپوزیسیون خارج از کشور مشمول این قانون است.

خانم «روزلتین» رییس کمیته فرعی خاورمیانه که تهیه‌کننده این طرح است اعلام کرد که باید یک استاندارد ویژه ای برای کمک‌ها وجود داشته باشد به این صورت که نباید هرکس که خود را آزادیخواه و دموکرات تلقی کند از این کمک‌ها استفاده نماید.

اکنون ببینیم که استاندارد ویژه یعنی چه؟

رییس سازمان سیا که در کنگره آمریکا متعاقب اظهارات خانم روزلتین توضیح میداد در باره استاندارد های ویژه گفت: «آمریکا باید روی کسانی از کشور های خارج سرمایه‌گذاری کند که آنها بتوانند منافع آمریکا را تامین کنند»

بنابراین، سرمایه‌گذاری دولت های بیگانه در تحولات داخلی کشور با هدف تامین کردن منافع کشور سرمایه‌گذار است. میدانید که دایره تامین منافع کشور سرمایه‌گذار (آمریکا) به کجا محدود می‌شود؟ به آنجا که آمریکا میخواهد نه ایران،

^۲- این نوشته‌ها در تارنمای www.1400years.org/amyrfeyz.asp به تاریخ سپرده شده و در هر زمان قابل دسترسی و مطالعه است. ح-ک

میدانید که این برنامه چگونه اجرا می شود؟ همانطور که قانون آزادی آمریکا مقرر کرده با خریدن ایرانی ها تبدیل کردن آنها به احمد چلبی ها.

———— ایرانیان اگر با جمهوری اسلامی مبارزه می کنیم، برای این نیست که ایران را از سگ های انگلیسی حاکم و غاصب کشورمان پس بگیریم و آنرا تحویل سگ های آمریکایی و اسرائیلی بدهیم آنهم با دعوت به سرمایه گذاری.

پرده هایی که نجات پیدا کرده اند:

دولت ها وقتی در امور داخلی کشور ها سرمایه گذاری می کنند و سبب براندازی دولت ها می گردند و از طریق پرداخت اعانه و کمک به برخی از سران آن تحریکات این موفقیت ها را برای آن مردم فراهم میکنند، حالت پرده های نجات یافته در مردم کشور های زیر سرمایه می بینند که جان آن پرده ها بواسطه ارباب همان کشور خارجی هستند نجات داده شده. بنابراین رابطه بنده و ارباب حکم می کند که هرچه ارباب می گوید بنده بی نوا انجام دهد نمونه این فصل دل آزار در رادیو هلند قابل ملاحظه است.

هنگامیکه سرپرست رادیو زمانه (وابسته به دولت هلند) بخش فارسی از کار برکنار شد؛ کارمندان ایرانی آن رادیو اعتراض کردند، پاسخ اولیا این بود که «شما پرده هستید و ما برای آزادی شما اقدام کرده ایم بنابراین هرچه میگوییم باید اطاعت کنید»